هو العلیم

شرح حالات حضرت أمیرالمؤمنین علیه‌السّلام در شب نوزدهم

حضرت علامه آیة اللَه حاج سید محمد حسین حسینی طهرانی

امام شناسی، جلد 3

بسم اللَه الرحمن الرحیم

ابن اثیر جزرى گوید با سلسله اسناد خود از عثمان بن صُهَیْب، از پدرش که قال: قال علِىٌّ: قالَ لِى رَسولُ اللَه صلّى اللَه علیه و آله و سلّم:” مَن أشقَى الأوَّلینَ؟“ قُلتُ: عاقِرُ النّاقَة. قالَ: ”صَدَقتَ.“ قالَ:”فَمَنْ اشْقَى الآخِرینَ؟“ قُلتُ: لا عِلمَ لى یا رَسولَ اللَه. قالَ: ”الّذى یَضرِبُکَ عَلی هذا“! و أشارَ بیَدِهِ إلى یافوُخِهِ .و کان یقولُ: وَدِدتُ أنَّهُ قَدِ انبَعَثَ أشقاکُم فَخَضَبَ هَذِه مِن هَذِهِ. یعنى لِحیَتَه مِن دمِ رأسِهِ. [[1]](#footnote-1)

صهیب از أمیرالمؤمنین علیه‌السّلام روایت مى‌کند که رسول خدا صلّى اللَه علیه و آله و سلّم به من فرمود:”شقى ترین از پیشینیان کیست؟“ گفتم: پى کننده شتر صالح. فرمود: ”راست گفتى.“ سپس فرمود: ”شقى ترین از پسینیان کیست؟“ گفتم: نمی‌دانم اى رسول خدا. فرمود: ”آن کسى که بر اینجا شمشیر بزند.“ و اشاره کردند به استخوان سر أمیرالمؤمنین علیه‌السّلام.

و آن حضرت بعضى از اوقات مى‌فرمود: دوست دارم که شقى ترین شما برانگیخته گردد و این را از این خضاب کند. یعنى ریش مبارکش را از خون سرش.

و سپس ابن اثیر گوید: إنّ علیًّا جمَع النّاس لِلبیعة؛ فجاء عبدُالرحمن بنُ مُلجمٍ المُرادِىُّ فردَّهُ مرَّتینِ، ثُم قال: ”ما یحبِسُ أشقاها؟! فواللَه لیخضِبنَّ هذِهِ من هذِهِ!“ ثُم تَمثَّلَ

اُشدُد حَیازیمَکَ لِلمَوتِ \*\*\* فإنَّ المَوتَ لاقیکَ

وَ لاتَجَزَع مِنَ القَتلِ \*\*\* إذا حِلَّ بِوادیکَ [[2]](#footnote-2)

گوید:

على علیه‌السّلام تمام مردم را براى بیعت جمع نمود. عبدالرَّحمن بن ملجم مرادى آمد که بیعت کند، دو مرتبه حضرت او را ردّ کرد و سپس فرمود: ”چه چیز جلوگیر و مانع شقى ترین امّت مى‌شود؟! سوگند به خدا که ابن ملجم محاسن مرا از خون سرم خضاب مى‌کند! “و بعداً تمثّل جست به این شعر:

”کمربند خود را براى مرگ محکم کن چون مرگ به تو خواهد رسید. و از مرگ جزع و فزع نکن زمانى که در آستان تو فرود آید. “

و سپس گوید: عثمان بن مُغیره گفت که:

لمّا دخل شهرُ رمضان جعل علِىٌّ یتعشّى لیلةً عِند الحسن، و لیلةً عِند الحسینِ، و لیلةً عِند عبدِاللَه بنِ جعفرٍ، لا یزیدُ على ثلاثِ لُقمٍ، و یقُولُ: ”یَأتى أمرُ اللَه و أنا خَمیصٌ، و إنَّما هِىَ لَیلَة أو لَیلَتانِ.“ [[3]](#footnote-3)

چون ماه رمضان داخل شد أمیرالمؤمنین یک شب در نزد امام حسن و یک شب در نزد امام حسین و یک شب در نزد عبداللَه بن جعفر بود، و زیاده از سه لقمه میل نمى‌فرمود و مى‌فرمود:

”امر خدا می‌رسد و من باید در آن حال گرسنه باشم، یکى دو شب بیشتر نمانده است. “

و سپس گوید:

خرج علِىٌّ لِصلاة الفجرِ فاستقبلهُ الأوزُ یصِحن فى وجههِ، قال: فجعلنا نطرُدُهُنَّ عنهُ، فقال: ”دَعُوهُنَّ فَانهَّنَّ نَوائِحُ! “و خرج فأُصیب. و هذا یدُلُّ على أنّهُ علِم السنة و الشهر و اللیلة التى یُقتلُ فیها، واللَه أعلمُ. [[4]](#footnote-4)

«أمیرالمؤمنین براى نماز صبح از منزل بیرون شد، مرغابیان در مواجهه با على به صیحه درآمدند. کثیر که راوى این حدیث است مى‌گوید: ما شروع کردیم که مرغابیان را از آن حضرت دور کنیم، فرمود: آنها را به حال خود گذارید، آنها نوحه مى‌کنند بر من!“ حضرت خارج شد و در همان وقت ضربت به او رسید. و این دلالت دارد بر آنکه آن حضرت سال و ماه و شبى را که در آن شب شهید شده همه را مى‌دانسته است، و خدا عالم‌تر است.

و ابن حجر هیثمى گوید:

فلمّا کانتِ اللیلة التى قُتِل فى صبیحتِها أکثر الخُرُوج و النظر إلی السماء، و جعل یقُول: ”واللَه ما کَذَبتُ و لا کُذِبتُ و إنَّهَا اللَّیلَةُ التَّىُ وعِدتُ.“[[5]](#footnote-5)

در آن شبى که در صبحش حضرت ضربت خوردند بسیار از اطاق بیرون آمده و به آسمان نظر مى‌کردند و می‌گفتند: ”سوگند به خدا که نه دروغ مى‌گویم و نه دروغ به من گفته شده است، امشب همان شب میعاد من است.“[[6]](#footnote-6)

1. أسد لغابة، ج ٤، ص ٣٥. [↑](#footnote-ref-1)
2. أسد لغابة، ج ٤، ص ٣٥. [↑](#footnote-ref-2)
3. همان مصدر، ص ٣٦ ؛ و نیز بعضى از جملات فوق در دو مقام در الصواعق المحرقة، ص ٨٠ ذکر شده است. [↑](#footnote-ref-3)
4. همان مصدر [↑](#footnote-ref-4)
5. الصواعق المحرقة، ص ٨٠. [↑](#footnote-ref-5)
6. امام شناسی، ج ٣، ص ٢٢. [↑](#footnote-ref-6)